

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۱۰ جولای ۲۰۱۶

حقیقت را کسانی می گویند که با وجدان اند و جرأت گفتن دارند!

کدام عید!؟



رمضان و عید جزئی از فرهنگ و عنعنات اعراب عصر جاهلیت است که دختران شان را زنده به گور می کردند. این میراث، عقاید و رسوم بیگانه، تحت بهانه "احکام الهی"، بالای مردم ما تحمیل گشته است.

نطفه های ابراهیم" که بنیانگذاران و تیکه داران دین می باشند، چه مسلمان و چه نصرانی (ترسائی-مسیحی) و یا یهودی باشند؛ بدون کوچکترین شک و شبهه دستان آنان در طول ادوار تاریخ به خون میلیون ها انسان آغشته و رنگین می باشد. بعد از پیدایش ادیان ابراهیمی گشت و کشتار و خونریزی بی رحمانه انسان ها تحت عناوین مختلف آغاز و تا به امروز به شکل و اشکال ددمنشانه و وحشیانه ای ادامه دارد. همین امروز در رقابت بین نطفه های "ابراهیم"، دریا های از خون آدمیان در نصفی از کره خاکی جاری می باشد.

دین به هر شکل و شمائلی که باشد باز هم زهر جامعه بشری می باشد.

جنگ های صلیبی، جنگ های جهانی اول و دوم و استفاده از بمب های اتمی در "هیروشیما" و "ناکازاکی"، تجاوزات استعماری به لیبیا، الجزایر، ویتنام، کوریا، پاناما، سومالیا، یوگوسلاویا، افغانستان، عراق، سوریه، باز هم لیبیا، همه و

همه توسط عیسوی ها صورت گرفته است. در جنگ "الجزایر" ارتش فرانسه همچو "داعش" گردن می زد و به عصمت و حرمت زنان تجاوز می کرد. در جنگ های رهائی بخش خلق های "هند" علیه استعمار و امپریالیزم کهن بریتانیا، ارتش "انگلیس" گردن های آزادیخواهان هندی را بی رحمانه می برید و در سر نیزه ها آویزان و به نمایش می گذاشت. این که بعضی از ایرانیان و افغانهای عیسوی شده در "مرغزار" عیسویت می چرخند، می خرامند و فخر می فروشند که گویا "مسیحت دین محبت است"؛ حالت تهوع برایم پدید می آید و به یاد این گفته هر روزه مسلمانان می اندازد که "اسلام ندارد به ذات خود عیبی *** هر عیب که است در مسلمانی ما است "ویا" اسلام دین صلح است!" اسلام از بدو پیدایش ارمغانی جز تجاوز، خونریزی، گردن زدن، مدنیت سوزی، علم ستیزی، زن ستیزی، سنگسار، دمکراسی ستیزی و... ندارد. اسلام در تئانی با یهودی و عیسوی جهان را به آشوب و تباهی کشانیده و به اقیانوس متلاطم پر از خون مبدل نموده اند. اسلام تحت نام سنی و شیعه به جان هم افتیده و همدیگر را همچو حیوان می درند. نطفه های "ابراهیم" و فرزندان موسی - عیسی و محمد؛ تحت عناوین "شریعت غرای محمدی"، "دمکراسی، تعالی فرهنگی، نوگرایی، تجدد گرایی، متمدن"... و "مسیحیت محبت است"؛ جنایت می آفریند و مصدر جنایات جنگی و نسل کشی می گردند. نه لاف و پف ها، گزافه گوئی ها و شیادی های "دانالد ترمپ" می تواند که اسلام را ریشه کن سازد و نه وحشت و بربریت داعش - بوکو حرام، طالبان - جهادی ها و قادر است که عیسویت و یهودیت را محو و نابود کند. این خلق ها اند که تصمیم گیرنده هستند. اگر خلق های سراسری جهان متحد شوند و جرأت کنند، می توانند جهان انسانیت را از شر زهر، سرطان و طاعون دین و مذهب منزه گردانند و رهائی بخشند. در افغانستان دین زده، ملا زده و اخوان زده تنها و تنها از طریق جنگ توده ئی طولانی و پیروزی انقلاب دمکراتیک تیپ نو و گذار از آن به سوسیالیزم و بالاخره قدم گذاشتن به جامعه کمونیستی این امر به حقیقت می انجامد.

۱۴۰۰ سال است که "شریعت غرای محمدی" سایه شومش را بر زندگی مردم این خطه باستانی و دارای تمدن و فرهنگ کهنسال گسترانیده است. این پدیده نامانوس استعماری توسط استیلائی "عمر بن الخطاب"، "أبو حفص قتیبة بن ابي صالح مسلم بن عمرو الباهلی"، "قیس بن لیث" و دیگر جباران و متحجران عربی، به مرز و بوم کهن آریانا - خراسان و افغانستان صادر گردید و از همان تاریخ بدینسو مردم ما را استثمار مذهبی نموده و با قایق شکسته در اقیانوس خرافات، بی سواد و جهالت رها ساخته اند. مردم غرق در خرافات دینی و مذهبی ما قرنهایست که قادر نگشته اند که ناخداوار کشتی شکسته را به ساحل نور برسانند و خود شان را برهانند. "کشتی شکستگان را هر موج ناخدائی است."

افغانستان پر گهر و ثروتمند با وصف داشتن معادن و منابع سرشار زیر زمینی طبیعی و منابع آب های شیرین، زمین نهایت حاصلخیز، کوه های سرسبز و سر به فلک و پر از برف، جنگلات انبوه، موقعیت جیوپولیتیک و ستراتیژیک، آب و هوای متفاوت در قرن تعالی ساینس و تکنالوژی و تسخیر سیارات توسط انسان؛ از پسمانده ترین، فقیر ترین، بی سواد ترین و نا متحد ترین کشور های جهان محسوب می گردد که اکثریت مطلق مردمش گرسنه بوده و در زیر خط فقر زیست دارند. با اثر این که افغانستان از کاروان تمدن و ترقی عقب رانده شده است، مردمش هنوز هم به دین و مذهب چسبیده، کور کورانه در متن تاریکی های شان روانند. در حقیقت امر اسلام این پدیده عصر جهالت؛ باعث عقبمانی تاریخی این مرز های کهن شده است.

عید من زمانی است که دین و مذهب بالاخص دکانداران و تاجران دین، ملا و اخوان، از مرز های آفتاب تابان، میهن خوبان و عیاران، به مرداب تاریخ حواله و افکنده شوند، ظلم و بیداد و ستم طبقاتی از جامعه ریشه کن گردد، طبقات ستمگر و استثمارگر نابود شوند، استعمار، ارتجاع منطقه و فرا منطقه از زادگاه انقلابیون، مبارزان و فرزندگان تاریخ

بشری ، رانده شوندد، افغانستان به مردمش تعلق گيردد، مردم افغانستان در صلح و صفا و در سايه دموکراسي انقلابي و عدالت اجتماعي و در فضاي آرامش بخش آزادي، آزادانه زيست نمايند.

افغانستان در اشغال نظامي استعمار جهاني قرار دارد و سگان جهادي - طالبي - خلقي ، پرچمي و خادي و ديگر خائنان و وطنفروشان، بالاي سرنوشت غمبار و خونبارش؛ رقم مي زنند. در چنين شرايطي " عيد " چه مفهومي را افاده مي کند

آنهم عيد اعراب !؟